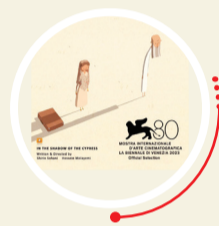




**بازگشت پرچم فلسطین  
روی سینه گای پیرس**

رسانه «وینیتی فر» فرانسه به خاطر برداشتن سنجاق سینه فلسطین از روی تصویر گای پیرس، بازیگر استرالیایی عذرخواهی کرد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از نیوزویک نوشت، ماجرا از آن جا آغاز شد که مجله «وینیتی فر» از گای پیرس به عنوان یکی از چهره های مهمان جشنواره فیلم کن عکس گرفت. این در حالی بود که روی یقه چپ کت پیرس، سنجاق سینه پرچم فلسطین جای داشت و پیرس دستبندی بافته شده با رنگ های پرچم فلسطین روی مچ دست خود بسته بود اما زمانی که این عکس در وبسایت «وینیتی فر» به اشتراک گذاشته شد، خبری از سنجاق سینه پرچم فلسطین که نشان دهنده حمایت این بازیگر از مردم فلسطین بود وجود نداشت. در پی واکنش کاربران فضای مجازی به این اتفاق «وینیتی فر» عکس ویرایش شده را با عکس اصلی جایگزین کرد. در زیر پرتره پیرس نوشته شده: «پیش تر نسخه قبلی این تصویر در سایت قرار داده شده بود، اما نسخه اصلی این است و ماصمیمانه عذرخواهی می کنیم.»



**انیمیشن ایرانی واجد شرایط  
اسکار شد**

انیمیشن «در سایه سرو» با کسب جایزه اصلی نوزدهمین جشنواره بین المللی انیمیشن «انیمایو» اسپانیا واجد شرایط رقابت در جوایز اسکار در شاخه بهترین انیمیشن کوتاه شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، «در سایه سرو» به کارگردانی حسین ملایمی و شیرین سوهانی پیش از این نیز در بخش مسابقه فیلم های انیمیشن کوتاه بیست و ششمین جشنواره بین المللی فیلم «ریور ران» آمریکا نمایش داده شد. داستان «در سایه سرو» در مورد یک نخداسخت که از اختلال استرس پس از سانحه رنج می برد، او با دخترش در خانه ای محقر در کنار دریا و در انزوای زندگی می کند و باید با چالش های یک زندگی سخت مقابله کند. جشنواره بین المللی انیمیشن «انیمایو» در جزایر قناری اسپانیا برگزار می شود و از جشنواره های معتبر انیمیشن اروپا و مورد تایید اسکار است. «در سایه سرو» به همراه «به یاد ما باشید» ساخته پابلو لئون، با کسب جوایز اصلی واجد شرایط رقابت در شاخه بهترین انیمیشن کوتاه اسکار ۲۰۲۵ شدند.



**تحقیقات در باره مرگ بازیگر «فرندز»**

شش ماه پس از مرگ متیو پری، بازیگر سریال «فرندز» در پی اثرات استفاده از کتامین، اداره پلیس لس آنجلس (LAPD) و اداره مبارزه با مواد مخدر (DEA)، در حال کار روی تحقیقات جنایی مشترک در مورد چگونگی دریافت این دارو توسط این بازیگر هستند. پری ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳ در ۵۴ سالگی در خانه خود در پاسیفیک پالیسیمز درگذشت. این در حالی بود که مقادیر کمی کتامین که گاهی برای درمان افسردگی استفاده می شود، در معده او یافت شد. با این حال، کالبدشکافی سطوحی از کتامین را در خون او پیدا کرد که مشابه سطوح مورد استفاده در بیهوشی عمومی بود. پلیس و اداره مبارزه با مواد مخدر به دنبال این هستند که چگونه این بازیگر به سطوح بالایی از کتامین دست یافته است. پری که با بازی در نقش چندلر بینگ در سریال «فرندز» به شهرت رسید، پیش از این به صراحت در مورد چندین دهه مبارزه خود با سوء مصرف مواد صحبت کرده بود.

**کارنامه  
اندیشمند**

# سورخ انحط ساط

**ابن خلدون  
روایتی تاریخی و اجتماعی  
از ظهور و سقوط دولت ها  
به دست می دهد**



**نگاه  
پژوهشگر**

## ابن خلدون؛ پرسشی نو در بساطی کهنه



**عارف مسعودی**  
پژوهشگر اندیشه سیاسی

فضلی بودند که از سر تفنن به فلسفیدن اشتغال یافته بودند. چنان که فارابی موسیقی دان، ابن سینا طبیب و وزیر و ابن رشد قاضی بود. براگ چنین نظری را در مورد فلاسفه یهودی، کسانی مانند میمندهی که طبیب و قاضی بود و ابن کرشوم منجم و طالع بین نیز صادق می داند. به واقع فیلسوفان مسلمان و یهودی اگر چه به همان درجات عالی همسان با مدرس گرایان مسیحی نائل شدند، اما تأثیر اندکی بر جامعه زمانه خود داشتند. در مقابل اما در اروپای سده های میانه فلسفه بدل به دوره مطالعاتی دانشگاهی و حرفه ای برای امرار معاش شد. این دوره دانشگاهی فضایی را برای استادان تمام وقت و پاره وقت فلسفه ایجاد نمود که گر چه از میان اسناد به جامانده از آن دوره تنها نام برخی از آن ها را می دانیم، اما این استادان از نظر براگ کسانی بودند که زمینه ساز اثرگذاری فلسفه بر ذهن حقوقدان ها، سیاستمداران، طبیبان و دیگر اقشار جامعه اروپایی شدند، که نشانی از اهمیت فلسفه به عنوان بازیگری مؤثر در اجتماع اروپایی سده های میانه بود.

همچنین چنین فرآیندی در نهادینه شدن فلسفه در نظام علمی اروپاییان تأثیر به غایت مهمی در رابطه میان فلسفه و الهیات در غرب نیز داشت. در یهودیت و اسلام این امکان وجود داشت که کسی بی آنکه پیشینه ای فلسفی داشته باشد، فقیه یا خاخامی صاحب نام شود. اما در مقابل، داشتن پیشینه فلسفی از مقدمات الزام آور برای متالهیین مسیحی بود. از زمان تشکیل شورای لاتین در ۱۲۱۵ این موضوع بدل به نوعی الزام در دروس کلیسایی شده بود. می توان گفت در مسیحیت تنش میان فلسفه و الهیات عمودی بود و همه متالهیین با مطالعه فلسفه تحصیلات خود را آغاز می کردند. به واقع هر دورشته به زبان مشابهی سخن می گفتند. اما در اسلام تنش میان کلام و فلسفه افقی و تمایزی میان متخصصان رشته های مختلف بود؛ کسانی که مشروعیات روش های طرف مقابل را مورد تردید قرار می دادند. در نهان نیز براگ با نظری بر برنامه انسلم قدیس الهیات را کاوش



**فرزاد نعمتی**  
خبرنگار گروه فرهنگ

در بررسی متون سیاسی در تاریخ تمدن اسلامی، تقسیم بندی های متفاوتی وجود دارد. یکی از مشهورترین این تقسیم بندی ها، به اروین روزنتال؛ مستشرق آمریکایی آلمانی الاصل و یهودی و پژوهشگر و متخصص در زمینه علوم سیاسی، مطالعات اجتماعی و فلسفه اسلامی اختصاص دارد که محصولات فرهنگی مسلمانان را به سه دسته متون فلسفه سیاسی، شریعت نامه ها و اندرزنامه ها تقسیم می کند. البته آنچه روزنتال دقیقاً می نویسد چنین است: فلسفه سیاسی، متون حقوق اساسی و آینه شاهی. این عناوین در اصطلاح رایج اندیشمندان کشورهای اسلامی اما به همان سه سنجی که گفته شد، ترجمه شده اند و مورد استفاده قرار می گیرند. طبق این برداشت در بخش فلسفه سیاسی که متأثر از «نهضت ترجمه» آثار یونانی و فیلسوفانی چون افلاطون، ارسطو و فلوطین به عربی بود، نوشته های متفکرانی چون فارابی، ابن سینا، ابن باجه، ابن طفیل، ابن رشد و خواجه نصیرالدین طوسی قابل ذکر هستند. مبنای اصلی تفکر این گروه استدلال عقلانی بود هر چند در عمل، فلسفه سیاسی اسلامی به مرور به کلام سیاسی تبدیل شد و کارکرد خود را به تبیین و تأیید عقلانی آموزه های وحیانی و دینی منحصر ساخت. مسئله اصلی فلسفه و کلام در اسلام، نظیر یهودیت و مسیحیت، مسئله رابطه میان ایمان و عقل یا وحی و عقل یا قانون الهی و قانون انسانی بود. نمونه ای از این مناقشه را می توان در بحث هایی که متکلمان اسلامی معتزله و اشاعره پیرامون برخی موضوعات نظیر حدود و قدم، خلق از عدم و... داشتند مشاهده کرد.

**اندرزنامه ها و سنت ایرانی، شریعت نامه ها و سنت اسلامی**

اندرزنامه ها اما متونی هستند که متأثر از فرهنگ ایران پیش از اسلام وارد جهان اسلام شدند. برای نمونه «نامه تنسیر» نمونه ای قابل ذکر از اندرزنامه های ایرانی دوره ساسانی است. بعد از ورود اسلام برخی ایرانیان این شیوه تفکر عمل گرایانه معطوف به حفظ و بسط قدرت را به جهان اسلام وارد کردند. یکی از پیشگامان این روند ابن مقفع بود که «رساله الصحابه» را برای منصور خلیفه دوم عباسی نوشت و در آن درباره شیوه های عملی حکمرانی و فنون سیاسی ایجادکننده نظم و ثبات به بحث پرداخت. با این همه جز این کتاب آثار دیگری چون کلیله و دمنه، قابوس نامه و سایر الملوک خواجه نظام الملک طوسی که به سیاست نامه معروف است، نیز ترجمه و تألیف شدند. برخی حتی بخش هایی از گلستان را که به «سیرت پادشاهان» یا «عدل» اختصاص دارد، متأثر از همین سنت اندرزنامه نویسی می دانند. البته به این آثار بیشتر و به واسطه اهمیت ویژه کتاب «خواجه نظام الملک» سیاست نامه گفته می شود. تا اینجا می توان گفت این دو دسته از متون متأثر از دو سنت یونانی و ایرانی در درون تمدن اسلامی رشد کرده اند؛ کما اینکه بیشتر سیاست نامه ها به زبان فارسی نوشته شده اند. با این همه آن دسته از متون

عقلی در امر الهی می داند که تنها در مسیحیت ظهور و بروز یافت. حال با نظری به این تأملات رمی براگ در باب تمایز میان جایگاه فلسفه به عنوان اساس و بنیان اندیشه های عرفی و کلامی در غرب که نهادینه سازی آن را از اثرگذاری تاریخی و اجتماعی آن می داند، می توان درک بهتری از چرایی ابتر ماندن تلاش های نویسندگانی مانند ابن خلدون یافت. به واقع در این نهادینه سازی مورد اشاره براگ و قرار گرفتن فلسفه به عنوان بنیانی حتی برای دانشی مانند الهیات و بدل شدن فلسفه به بنیان تفکر غربی این حقیقت نهفته است که با تلاش های نظری نویسندگانی مانند انسلم قدیس، توماس آکویناس، آلبرت کبیر، ویلیام اکامی و مکتب اصالت تسمیه او و مارسیله پادوایی و دیگر نویسندگان مذهبی و غیر مذهبی در اروپا تحولی اساسی در مبادی الهیات مسیحی ایجاد شد و تضاد میان مبانی الهیاتی و عقلانی به سر حله ای از رفع و وضع رسید که از آن پس این عقل بود که مبنای همه امور حتی الهیات قرار می گرفت. بی گمان خود این خلدون نیز به این تحول مهم در مقام فلسفه و عقل در نظام اجتماعی در غرب آن چنان که در بالا به نقل از براگ به آن اشاره کردیم آگاهی یافته بود چنان که اومی نویسد: «همچنین، اخباری به ما رسیده که در این روزگار، بازار علوم فلسفی در سرزمین ژم از ممالک شرق و دیگر نواحی شمالی [مدیترانه] رونق بسزا دارد. بقایای آن علوم در آنجا از نورواج یافته و دمیده، رو به ترقی و تجدید می رود، محافل آموزش آن علوم متعدد و کتب آنها جامع و داندگان آنها فراوانند. طالبان بسیاری در جستجوی فرا گرفتن آنها هستند و خدا به آنچه در آن سرزمین می گذرد، دانای است.» اما این تصور ابن خلدون که از مجرای شنیده های او از تحول علوم در مغرب زمین و روم به عنوان مهد نورایش غرب، پدیدار گشته بود او را «در وضعی قرار نداد که بتواند به ماهیت دورانی که در شرف آغاز بود و شکافی که از نظر اندیشه میان غرب و شرق تحقق پیدا می کرد، آگاهی جدی و کارسازی پیدا کند». به واقع در همان سده های میانه متأخر مسیحی که مورد پژوهش تاریخ نگاران برجسته ای همچون رمی براگ است در آگاهی اروپاییان تلقی نوآیندی از جایگاه عقل و تأملات فلسفی پدیدار شد که در همه وجوه زندگی انسان غربی به ویژه الهیات تحولی اساسی را به دنبال داشت و «کاربرد این عقلانیت جدید» در وجوه مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی اروپاییان منطقی را ایجاد کرد که از آن به «منطق تجدد» تعبیر کرده اند.